

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**اوج انحراف و فساد  
در اقداماتی به نام جهاد**

۱۲ تیر ۱۳۸۷

۲۸ جمادی الثانی ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### خلاصه استدلال اهل سنت؛

در جلسه گذشته یکی دیگر از استدلال‌های اهل سنت برای اثبات عدالت تمامی صحابه را بررسی نمودیم. نظریه پردازان عدالت صحابه، به خصوص متأخرین آنها، بر این باورند که فتوحات و کشور گشایی‌ها و در نتیجه گسترش و رواج اسلام به وسیله صحابه اولیة رسول الله ﷺ صورت پذیرفت؛ به دلیل این خدمت بزرگ و قابل تحسین، اگر در کارنامه اعمال صحابه، زشتی و گناهی باشد باید آن را نادیده گرفت؛ چرا که تمام مسلمانان در طول قرون تا دامنه قیامت مدیون فتوحات و زحمات صحابه هستند و این عمل کفاره همه گناهان و اشتباهات صحابه می‌باشد. این استدلال از ظاهری محکم و جاذبه‌ای نیرومند برخوردار است و بر خلاف سایر ادله، برای عموم مردم قابل فهم‌تر می‌باشد. متأسفانه در کشور ما نیز برخی از مدعیان فهم، علم و دانش سخن فوق را ترویج می‌کنند و بر این پایه، صحابه را تحسین و مردم را به اتحاد و یگانگی دعوت می‌نمایند؛ لذا باید با دقت ادعای آنان را بررسی و نقد کنیم.

### دو نقد مهم بر استدلال اهل سنت؛

در جلسه گذشته به دو مطلب مهم اشاره نمودیم که اساس استدلال

اهل سنت و پیروان آنان را بی اعتبار و سست می‌کند. این دو مطلب عبارتند از :  
 ۱- صرف انجام یک عمل خوب و شایسته، هر چند مهم و مؤثر اگر از فرد یا افرادی صادر شود، نمی‌تواند جبران کننده همه گناهان آنان شود. به عنوان مثال به جا آوردن حج که از اعمال مهم عبادی است، نمی‌تواند کفاره و جبران کننده همه گناهان پیش و پس از حج شود. همه فقها و علما - اعم از شیعه و سنی - بر این نظرند که هیچ آیه و روایتی وجود ندارد که توان اثبات این مطلب را داشته باشد که به جا آوردن حج تمام گناهان و پلیدی‌ها را محو می‌کند.

۲- از آیات قرآن مجید که در مورد جهاد با مشرکین و دشمنان اسلام است استفاده می‌شود که جهاد (ابتدایی و دفاعی) عملی عبادی است. این مطلب نیز ثابت است که شرط پذیرش هر عمل عبادی نیت خالص و قصد تقرب به خداوند سبحان می‌باشد. اگر جهاد به نیت و یا شائبه‌ای دیگر آلوده شود مورد قبول پروردگار قرار نمی‌گیرد و حسن فعلی و فاعلی نخواهد داشت<sup>(۱)</sup>. از سوی دیگر خداوند سبحان به صراحت در قرآن مجید می‌فرماید: جهاد نباید مستلزم فساد در زمین، نابودی سرمایه‌ها و کشتن انسانها شود<sup>(۲)</sup>. به عبارت دیگر قدرت خواهی و مقام طلبی نباید انگیزه جهاد باشد. در آیه دیگری خداوند متعال در مورد نیت و اهداف جهاد می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾<sup>(۳)</sup>.

۱- همانند فردی که مشهور به قتیل الحمار شد؛ زیرا می‌خواست مرکب دشمنی را به دست آورد نه رضایت پروردگار. (جامع السعادات، جلد ۳، صفحه ۸۹)

۲- سوره بقره، آیه ۲۰۵.

۳- سوره نساء، آیه ۷۵.

چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد ستم‌دیده که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر، و از خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود یار و یابری برای ما تعیین فرما.

بنابر آیه فوق، جهاد باید در راه خدا بوده و انگیزه آن نجات دادن کسانی باشد که تحت ستم و فشار قرار گرفته‌اند. در واقع پشت چهره‌ی خشن و خونبار جنگ باید متعالی‌ترین نمادهای رحمت و رأفت بروز و ظهور داشته باشد تا بتوان آن را جهاد در راه خدا نامید.

همچنین خداوند سبحان در آیاتی از قرآن مجید خبر از حوادث ناگواری می‌دهد که تحت پوشش جهاد روی می‌دهد.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ \* وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ \* وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾<sup>(۱)</sup>.

و از مردمان کسانی هستند که سخنانشان درباره زندگی دنیا تو را به شگفتی می‌اندازد، و خداوند را بر آن چه در دل دارند گواه می‌گیرند و حال آن که بسیار کینه توز می‌باشند\* و چون دست یابد می‌کوشد که در این سرزمین فتنه و فساد برپا کند و زراعت و دام را نابود کند و خداوند فساد را دوست ندارد\* و چون به او گفته شد از خداوند پروا کن، لجاجت و تعصب آنها را به گناه می‌کشاند، آتش دوزخ برای آنان کافی است، و چه بد جایگاهی است.

۱- سوره بقره، آیات ۲۰۶-۲۰۴.

آیات فوق از پیشگویی‌های قرآن مجید است. طبق آیات فوق، خداوند متعال به پیامبر ﷺ می‌فرماید: در حال حاضر کسانی در میان مسلمانان هستند که تو از گفتار آنان لذت می‌بری در حالی که آنان بدترین دشمنان اسلام هستند؛ چون مردمانی جاه طلب می‌باشند و به محض رسیدن به قدرت، انسانها و سرمایه‌های آنان را نابود و تباہ می‌کنند.

### ابوذر افشاگر صحابه؛

دومین مطلب مهمی که در جلسه گذشته بدان اشاره کردیم ثروت هنگفت صحابه بوده که از راه کشورگشایی و به نام جهاد جمع کرده بودند. پدید آمدن طبقه‌ای مرفه که در سایه فتوحات به ناز و نعمت زیادی دست یافته بودند باعث به وجود آمدن برخی اعتراضات گردید.

صحابی والا مرتبه؛ ابوذر غفاری رضی الله عنه یکی از برجسته‌ترین معترضین محسوب می‌شود. وی پس از مواجه شدن با چنین ثروت‌های بادآورده‌ای، دست به افشاگری علیه صحابه زد و آنان را به عذاب دردناک الهی بشارت داد<sup>(۱)</sup>. این افشاگریها و تهدیدهای ابوذر رضی الله عنه سرانجام منجر به تبعید وی به منطقه شامات شد<sup>(۲)</sup>.

وقتی ابوذر رضی الله عنه آگاه شد که معاویه در حال ساخت کاخ با شکوهی به نام «خضرا» می‌باشد به او خطاب کرد:

۱- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۹۲ و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۳ صفحه ۵۴.

۲- ابوذر به جبل عامل منطقه‌ای در لبنان کنونی تبعید شد. شیعیان این خطه از بهترین شیعیان می‌باشند، همچنین منطقه جبل عامل علمای فراوانی را به جامعه شیعه تحویل داده است. همه اینها به برکت انفاس قدسی صحابه بزرگ پیامبر ﷺ، ابوذر غفاری رضی الله عنه می‌باشد.

« يا معاوية! إن كانت هذه الدار من مال الله فهي خيانة وإن كانت من مالك فهذا الأسراف »<sup>(۱)</sup>.

ای معاویه! اگر این قصر با پول بیت المال ساخته شود، به خدا خیانت کرده‌ای و اگر با پول خودت می‌سازی بدان که اسراف می‌کنی. ابوذر رضی الله عنه علاوه بر نکوهش حضوری، در کوچه و بازار میان مردم به راه افتاد و علیه زراندوزی و تجملات حاکمان لب به اعتراض گشود. وی با شجاعت فریاد می‌زد:

« والله لقد حدثت أعمال ما أعرفها، والله ما هي في كتاب الله ولا سنة نبيه، والله إنني لأرى حقاً يظفأ وباطلاً يحيي وصادقاً يكذب »<sup>(۲)</sup>.

به خدا سوگند اعمالی انجام می‌شود که آنها را نمی‌شناسم، به خدا سوگند این کارها نه در کتاب خدا موجود است و نه در سنت پیامبر او صلی الله علیه و آله و سلم به خدا سوگند من حق را می‌بینم که خاموش می‌شود و باطلی که زنده می‌شود و راستگویی که دروغگو پنداشته می‌شود. این افشاگریها معاویه را بر آن داشت که به فردی به نام « حبیب ابن مسلمة » دوپست دینار طلا بدهد تا آنها را به ابوذر رضی الله عنه بپردازد و از او بخواهد که دست از افشاگری بردارد. اما ابوذر به آن شخص گفت:

« أما وجدت أهون عليك متي حين تبعث إليّ بمال؟ وردّها »<sup>(۳)</sup>.

آیا حقیرتر و خوارتر از من نیافتی که پولها را به او بپردازی (و به من ندهی)؟ و پولها را باز گرداند.

۱- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۹۲ و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۸ صفحه ۲۵۶.

۲- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۹۲ و از منابع اهل سنت، أنساب الاشراف، جلد ۶ صفحه ۱۶۸.

۳- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۹۳ و از منابع اهل سنت: أنساب الاشراف، جلد ۶ صفحه ۱۶۷.

پس از آنکه ابوذر رضی الله عنه اموال معاویه را نپذیرفت حبیب ابن مسلمة نزد معاویه بازگشت و گفت:

« إِنَّ أَبَاذِر مَفْسِدٌ عَلَيْكَ الشَّامَ ، فَتَدَارِكُ أَهْلَهُ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ بِهِ حَاجَةٌ ؛

به درستی که ابوذر مردم شام را علیه تو بدبین می‌کند، اگر به شامیان نیاز داری چاره‌ای بیاندیش.

معاویه نیز بلافاصله به عثمان نامه نوشت و جریان را بازگو کرد. عثمان در پاسخ به نامه معاویه نوشت:

« أَمَّا بَعْدُ ، فَاحْمِلْ جَنْدَبًا إِلَيَّ عَلَى أَعْظَمِ مَرْكَبٍ وَأَوْعِرْهُ . فَوَجَّهَ مَعَاوِيَةَ مِنْ سَارِ بِهَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ؛

اما بعد، جندب [لقب ابوذر] را به سوی من با اسبی چموش و خشن گسیل دار. معاویه با اسبی خشن، و همراهی سخت‌گیر و بدون استراحت و توقف، ابوذر را به مدینه فرستاد.

هنگامی که ابوذر وارد مدینه شد فریاد بر آورد:

« تَسْتَعْمَلُ الصَّبِيَّانَ ، وَ تَجْمِي الْحَمِيَّ وَ تَقْرَبُ أَوْلَادَ الطَّلَاقِ »<sup>(۱)</sup>.

کودکان به حکومت و ثروت رسیده‌اند و از بستگان حمایت می‌شود و فرزندان آزاد شدگان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فتح مکه به قدرت رسیده‌اند.

عثمان نیز که از افشاگری‌های ابوذر احساس خطر کرده و به ستوه آمده بود او را به ربه تبعید کرد. ابوذر در ربه و در تبعید ماند و همان جا در گذشت<sup>(۲)</sup>. علی‌رغم مخالفت و ممنوعیت عثمان، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به همراه امام حسن و امام

۱- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۹۳ و از منابع اهل سنت: أنساب الاشراف، جلد ۶ صفحه ۱۶۸.

۲- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۹۳ و از منابع اهل سنت: أنساب الاشراف، جلد ۶ صفحه ۱۶۸.



حسین علیه السلام ابوذر را بدرقه کردند و پس از گشت خطبه‌ای غزاه ایراد فرمودند<sup>(۱)</sup>.

### ثروت و شهوت انگیزه جهاد؛

تأمل و دقت در زندگی سردمداران فتوحات به روشنی نشانگر این مطلب است که آنان به هیچ وجه با نیت خالص و تقرب به ذات احدیت دست به قبضه شمشیر نبردند. هدف عمده آنان از بر آوردن بانگ جهاد، کشورگشایی، ثروت اندوزی و جاه‌طلبی بود.

یکی دیگر از فرماندهان ارشد فتوحات، «خالد ابن ولید» می‌باشد. خالد کسی است که به جرم واهی ارتداد، «مالک ابن نویره» را کشت و همان شب با همسر وی همبستر شد. عمر پس از آگاهی از جریان به ابوبکر شکایت کرد و درخواست اجرای حد بر خالد نمود اما ابوبکر، سوگند یاد کرد که چنین کاری انجام نمی‌دهد. ابوبکر گفت:

«ما کنت لأشیم [لأغمد] سیفاً سلّه الله»<sup>(۲)</sup>.

شمشیری را که خداوند از نیام بیرون کشیده است، غلاف نمی‌کنم. آری! اهل سنت، به چنین شخصی که جنایات او مورد اعتراض عمر هم قرار گرفت، لقب سیف الله داده‌اند<sup>(۳)</sup>. ما نیز باید به خاطر زحمات و فتوحات او، مدیون او باشیم و او را عادل بدانیم!! عمر پس از رسیدن به خلافت، بلافاصله خالد ابن ولید را از منصبش عزل کرد. اهل سنت در مورد علت عزل خالد می‌گویند:

۱- الغدیر، جلد ۸ صفحه ۲۹۷.

۲- از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۵ صفحه ۶۱۹ و البدایة و النهایة، جلد ۴ صفحه ۳۶۰.

۳- از منابع اهل سنت: الاستیعاب، جلد ۲ صفحه ۴۲۹.

«كان خالد إذا صار إليه المال قسّمه في أهل القتال ولم يرفع إلى أبابكر حساباً»<sup>(۱)</sup>.

خالد غنائم جنگی و اموالی که به دست می آورد را بین جنگجویان و سپاهیان خود تقسیم می کرد و سهمی از آن را به ابوبکر نمی پرداخت. سخن فوق بیانگر این مطلب است که خالد بابت فتوحات و غنائم به خلیفه چیزی نمی پرداخت و خلیفه دوم او را به همین دلیل عزل کرد. این حرکت خلیفه به راحتی ما را به این نتیجه می رساند که هم خالد و هم عمر به دنبال انباشت ثروت بودند. هدف آنان و دیگر فرماندهان چون یزید ابن ابی سفیان و معاویه ابن ابی سفیان، طلحه، زبیر، سعد ابن وقاص، انگیزه الهی و نیت دفاع از ستمدگان نبود، آنان تنها و تنها به دنبال ثروت و مکنّت بودند.

شهوترانی نیز یکی از دلایل عمده فاتحان اسلامی! به شمار می آید. خالد ابن ولید، به چه علت پس از قتل مالک ابن نویره و در همان شب با همسر او همبستر شد؟ آیا هدف خالد از قتل مالک، نابود کردن مرتدان بود یا می خواست به همسر مالک دست یابد؟ مورخان اهل سنت نقل می کنند:

«إنّ خالداً رأى امرأة مالك وكانت فائقة في الجمال، فقال مالك بعد ذلك لامرأته: تقتليني»<sup>(۲)</sup>.

پس از آنکه خالد همسر زیبا روی مالک را دید، مالک به همسرش گفت: تو مرا خواهی کشت. [به سبب زیبایی تو من به قتل خواهم رسید]

یکی از دوستان خالد ابن ولید به نام «ضرار ابن الازور»، به طایفه

۱- از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۱۶ صفحه ۲۷۴ و الإصابه، جلد ۲ صفحه ۲۱۸.

۲- الغدير، جلد ۷ صفحه ۱۶۰ و از منابع اهل سنت: الإصابه، جلد ۱ صفحه ۳۳۷.

بنی آسد حمله می‌کند و زن زیبا رویی را به اسارت گرفته و به او تجاوز نمود. هنگامی که خبر به خالد رسید، گفت: «من آن زن را به ضرار بخشیدم» اما عمر دستور داد که ضرار را سنگسار کنند<sup>(۱)</sup>. عده‌ای از صحابه پس از جنگ به نوشیدن شراب پرداختند و برای توجیه عمل خود به آیه ۹۳ سوره مائده استناد نمودند<sup>(۲)</sup>.

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا  
وَأَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ  
الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(۳)</sup>.

بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آن چه خورده‌اند نیست، اگر تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند و اعمال صالح انجام دهند، سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد<sup>(۴)</sup>.

### تأثیر شگرف رسول الله ﷺ بر جزیره العرب؛

مورخان، جامعه‌شناسان، روانشناسان و دیگر اندیشمندان، پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از تاریخ پیامبر ﷺ همچنان از تأثیر گذاری ایشان بر مردمان جاهل، غارت‌گر و فرزند کش جزیره العرب، شگفت زده هستند. رسول الله ﷺ در طول یازده سال زمامداری در مدینه، انسانهای شایسته و وارسته‌ای تحویل جامعه دادند که برای دفاع از حریم وحی و نبوت حاضر به جان‌نثاری شدند.

۱- الغدير، جلد ۷ صفحه ۱۶۵ و از منابع اهل سنت: تاريخ مدينة دمشق، جلد ۵ صفحه ۱۱۲ والإصابة، جلد ۳ صفحه ۳۹۱.

۲- الغدير، جلد ۷ صفحه ۱۶۷ و از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۲ صفحه ۳۲۱.

۳- سوره مائده، آیه ۹۳.

۴- پاسخ این استدلال در جزوه شماره ۵۴ صفحه ۱۰ بیان شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد جهاد در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:  
 « ولقد کتّمَا مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛ نقتل آباءنا وأبناءنا وإخواننا وأعمامنا،  
 ما یزیدنا ذلك إلا إیماناً و تسلیماً »<sup>(۱)</sup>.

در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم؛ با پدران و فرزندان و برادران و  
 عموهای خود جنگ می کردیم، که این مبارزه بر ایمان و تسلیم ما  
 می افزود.

تأثیر تربیتی ژرف و شگرف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر مردمان جزیره العرب تا  
 سه دهه پایدار ماند. در طول این سالها و با وجود صحابه مخلص و خالص از بین  
 بردن تمامی ملکات اخلاقی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پایه های آن را بنا نهاده بودند  
 کاری محال می نمود. عمر در لحظات پایانی زندگی اش از قرار گرفتن همه قدرت  
 و ثروت در دست یک طایفه و فامیل خاص، اظهار نگرانی نمود. وی از اینکه  
 عثمان به خلافت دست یابد و در نتیجه اعمالش مورد خشم مردم واقع گردد  
 ناراحت بود زیرا این اتفاق موجب می شد مسیری که خود عمر آغازگر آن بوده بر  
 اثر فشار بر مردم تغییر یابد و تلاش های وی بی ثمر شود (در این زمینه در  
 صفحات بعد توضیح بیشتری خواهد آمد).

عمر در آخرین ساعات در این مورد گفت:

« لو ولیتُها عثمان لحمل آل أبي معیط علی رقاب الناس ... ولو فعل  
 لأشکوا أن یسیروا إلیه حتی یجزوا رأسه »<sup>(۲)</sup>.

اگر خلافت را به عثمان واگذارم، آل ابی معیط را به گرده مردم سوار

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵۶ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۲ صفحه ۴۰.  
 ۲- الغدیر، جلد ۸ صفحه ۲۸۹ و از منابع اهل سنت الآثار، صفحه ۲۱۷ و با اندکی تفاوت در  
 انساب الأشراف، جلد ۵ صفحه ۱۶.

خواهد کرد، در نتیجه مردم عاجز می‌شوند و سر از تن عثمان جدا می‌کنند.

آری! صحابه رسول الله ﷺ نمی‌توانستند حکومت سراپا فاسد و ننگین عثمان را تاب آورند. پیش بینی عمر به وقوع پیوست. البته این پیش بینی، کرامتی برای عمر محسوب نمی‌شود؛ چرا که شرایط عصر رسول الله ﷺ و صحابه گرانقدر، حکایت از این داشت که آنان به هیچ وجه پذیرای انحراف علنی نیستند. شاید از ترس، چند صباحی سکوت اختیار کنند، اما در نهایت طغیان می‌کنند. همچنان که طغیان کردند و عثمان را کشتند.

مورد دیگری که نشان می‌دهد صحابه صدر اسلام هنوز هشیار بوده و در برابر انحرافات، مقاومت می‌کردند، نمونه ذیل است.

عمر روزی خطاب به مردم گفت:

«لو صرفناکم عما تعرفون إلی ما تنکرون ما کنتم صانعین؟ ... فقام علي [ع] فقال: إذا كنتا نستتيك، فإن تبت قبلناك قال: وإن لم أتب؟ قال [ع] إذا نضرب الذي فيه عيناك. فقال: الحمد لله الذي جعل في هذه الأمة من إذا اعوججنا أقام أودنا»<sup>(۱)</sup>.

اگر شما را از کارهای خوب به کارهای ناشایست روی گردانیم چه می‌کنید؟ ... امیرالمؤمنین [ع] برخاستند و فرمودند: از تو می‌خواهیم که توبه کنی، اگر توبه کردی از تو خواهیم پذیرفت. عمر گفت: اگر توبه نکردم چه می‌کنید؟ امیرالمؤمنین [ع] فرمودند: گردن تو را می‌زنیم. پس عمر گفت: خدا را شکر که در این امت افرادی را قرار داد که اگر منحرف شدیم ما را راست می‌کنند.

۱- بحار الانوار، جلد ۴ صفحه ۱۸۰ و از منابع اهل سنت: مناقب خوارزمی، صفحه ۹۸.

جامعه آن روز چنین برخوردار بود با خلیفه را بر می‌تابد و کسی به امیرالمؤمنین علیه السلام اعتراض نمی‌کند که چرا با خلیفه این گونه صحبت کردید؛ چرا که هنوز تأثیر تربیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم باقی بود. در دهه سوم که عثمان به خلافت رسید، کم و بیش صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند و رگه‌هایی از ملکات اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم مشهود بود. در مورد برخورد مردم با عثمان به خاطر دخل و تصرفات نا مشروع در بیت المال آمده است که،

«كان في بيت المال بالمدينة سفت في حلي وجوهر فأخذ منه عثمان ما حلى به بعض أهله، فأظهر الناس الطعن عليه في ذلك وكلموه فيه بكلام شديد حتى أغضبوه. فقال: هذا مال الله أعطيه من شئت وأمنعه من شئت، فأرغم الله أنف من رغم. فقال له علي عليه السلام: إذا تمنع من ذلك ويحال بينك وبينه»<sup>(۱)</sup>.

در بیت المال مدینه انبانی از پوست بود که جواهرات در آن نگهداری می‌شد. عثمان مقداری از آن جواهرات را به بستگان خود داد. مردم به مذمت عثمان پرداختند و به تندی با او سخن گفتند به گونه‌ای که عثمان خشمگین شد. عثمان گفت: این اموال از آن خدا است به هر کس که بخواهم می‌دهم و به هر کس که نخواهم نمی‌دهم، و خداوند بینی مخالفان مرا به خاک بمالد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بنابراین تو را از تصرف در بیت المال منع می‌گرددی و دستت از آن کوتاه می‌شود.

مردم، در پرتو تعلیمات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دارای چنان فرهنگ، معرفت و

۱- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۸۵ و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۳ صفحه ۴۹.

آگاهی شدند که اجازهٔ خلاف کاری آشکار را حتی به حاکمان نمی‌دادند. حاکمان نیز برای دست یافتن به مقاصد شوم و امیال شیطانی خود چاره‌ای جز اتکاء به تزویر و نیرنگ نداشتند.

تا بدین جا روشن شد که فاتحان، با نیت خالص جهاد نکردند. آنها با قصد به دست آوردن ثروت و مکنت و شهوترانی به کشورگشایی پرداختند. از طرف دیگر، سردمداران و کشورگشایان به خاطر تربیت رسول الله ﷺ و وجود صحابهٔ گرانقدر نمی‌توانستند آشکارا و بدون مکر و فریب به مقاصد شیطانی خود دست یابند.

### قرآن و وعدهٔ پیروزی؛

یکی دیگر از انگیزه‌های کشورگشایی این بود که سردمداران و فرماندهان، مطمئن بودند که در این مبارزه‌ها پیروز خواهند شد و با شکست مواجه نمی‌شوند؛ چرا که رسول الله ﷺ بارها بشارت پیروزی اسلام و مسلمین را داده بودند.

به عنوان نمونه، در جنگ خندق، هنگام حفر خندق مسلمانان با سنگ ستبری مواجه شدند و برای شکستن آن از رسول الله ﷺ کمک خواستند. پیامبر ﷺ به سنگ سه ضربه زدند که پس از هر ضربه جرقه‌ای بسیار درخشان از آن برمی‌خاست. رسول الله ﷺ پس از آن ضربات فرمودند این جرقه‌ها بیانگر آن است که در آینده شما، شامات، روم و ایران را به تصرف خود در می‌آورید<sup>(۱)</sup>.

تشویق به جهاد و ارزش والای شهادت در سخنان پیامبر ﷺ و آیات

۱- بحار الأنوار، جلد ۱۷، صفحه ۱۷۰ و از منابع اهل سنت: أمتاع الاسماع، جلد ۱۳، صفحه ۲۹۲.

قرآن مجید نیز مسلمانان مخلص و معتقد را به گسترش و پیشرفت اسلام علاقه‌مند می‌کرد. همین امر موجب می‌شد که فرماندهان نالایق و فاسد با نیرنگ و فریب به بهانه ترویج اسلام از سپاهی نیرومند برخوردار گردند. به عنوان نمونه به چند آیه از قرآن مجید اشاره می‌نماییم:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (۱).

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

آیه فوق بدون بیان وقت معینی، وعده پیروزی به مسلمانان می‌دهد. در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ (۲).

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را بر طرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد. آیا معبودی با خداست؟ کمتر متذکر می‌شوید.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (۳).

ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

۱- سوره صف، آیه ۹.

۲- سوره نمل، آیه ۶۲.

۳- سوره قصص، آیه ۵.



﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

در زیور بعد از ذکر (قدرت) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث  
حکومت زمین خواهند شد.

اما با وجود وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی و فراهم بودن تمام اسباب و  
وسایل ظاهری چون تجهیزات نظامی و سپاه نیرومند و مجهز و انگیزه‌ای قوی،  
به خاطر وجود فرماندهان ناشایست و فاسد، آن گونه که انتظار می‌رفت،  
مسلمانان به نتایج درخشانی دست نیافتند.

### انحراف از مکتب رسول الله ﷺ؛

پس از رحلت رسول الله ﷺ، منافقان و بیماردلان برای دست یافتن به  
مقاصد شوم خود، تحریف مکتب رسول الله ﷺ را نخستین هدف خود قرار  
دادند به گونه‌ای که مهمترین پرسش مسلمانان در رابطه با افراد و اشخاص این  
بود که آیا فلانی به عقیده سابق خود تا هنگام وفات پایدار و استوار ماند یا خیر؟  
منابع معتبر اهل سنت، روایات فراوانی از رسول الله ﷺ بدین مضمون نقل  
کرده‌اند که پس از من مسلمانان به انحراف و گمراهی کشیده می‌شوند. به عنوان  
نمونه به چند مورد اشاره می‌نماییم.

در روایتی از رسول الله ﷺ نقل شده است:

«أنا فرطكم على الحوض ليرفعن إليّ رجال منكم حتى إذا أهويت  
لأناولهم إختلجوا دوني . فأقول أي ربّي ! أصحابي ، فيقول : لا تدري ما  
أحدثوا بعدك»<sup>(۲)</sup>.

۱- سوره انبياء، آیه ۱۰۵.

۲- از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۸ صفحه ۸۷ و عمدة القاری، جلد ۲۴ صفحه ۱۷۶.

من پیش از شما کنار حوض کوثر هستم و مردانی از شما را در حال سقوط می بینم و می خواهم آنان را بگیرم، اما آنان به سمت دیگری می افتند و من می گویم بارالها! آنان یاران من هستند. خداوند در پاسخ می فرماید: نمی دانی که پس از شما چه کردند.

در روایتی دیگر رسول الله ﷺ می فرماید:

«أنا فرطكم على الحوض من ورده شرب منه ومن شرب منه لم يضمأ بعده أبداً ليرد عليّ أقوام أعرفهم ويعرفوني، ثم يحال بيني وبينهم.. فيقال: إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك، فأقول: سحقاً سحقاً لمن بدّل بعدي»<sup>(۱)</sup>.

من پیش از شما کنار حوض کوثر هستم. هر کس بر آن وارد شود از آن می نوشد و هر کس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی شود. افرادی از شما که آنان را می شناسم و آنان مرا می شناسند را بر من عرضه می کنند، اما سپس بین من و آنان حائلی قرار می دهند... و به من می گویند: نمی دانی پس از شما چه کردند، و من می گویم: پست باد، پست باد کسی که پس از من انحراف ایجاد کند.

منافقان و بیماردلان دست به دست یکدیگر دادند و تمام مبانی فکری، اخلاقی، عقیدتی، معرفتی، احکام و فروع دین را تحریف کردند و آن را بازیچه امیال نفسانی خود قرار دادند. ناگفته روشن است که تحریف امر خلافت رسول الله ﷺ و غضب جایگاه امیرالمؤمنین علیاً مهمترین انحراف و تحریف صدر اسلام به شمار می آید.

۱- از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۸ صفحه ۸۷ و صحیح مسلم، جلد ۷ صفحه ۶۵.

## انحراف عثمان و پیروان او؛

نگاهی اجمالی به اطرافیان عثمان و عملکرد آنها از عمق فاجعه‌ای خبر می‌دهد که پس از رسول الله ﷺ با نام جهاد به وقوع پیوست. پس از فتح آفریقا، عثمان غنائم فراوانی به برادر ناتنی خویش «ابن ابی سرح» بخشید<sup>(۱)</sup>. ابن ابی سرح کسی است که پیامبر ﷺ هنگام فتح مکه، ریختن خون او را مباح اعلام کردند<sup>(۲)</sup>. و یکی دیگر از نزدیکان وی فردی دروغگو به نام «ولید ابن عقبه» می‌باشد که آیه شش سوره حجرات در نکوهش او نازل شد<sup>(۳)</sup>. در آن آیه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ﴾ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.

روزی عثمان به عبدالله ابن مسعود که خزانه دار بیت المال بود دستور داد که به حکم ابن ابی العاص، از بیت المال مقداری پول دهد، اما ابن مسعود نپذیرفت. عثمان به او گفت: تو خزانه دار ما هستی و وظیفه داری به گفته ما عمل کنی. ابن مسعود در پاسخ گفت:

«كذبت والله، ما أنا لك بخازن ولا لأهل بيتك، إنما أنا خازن المسلمين ...»

۱- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۵۸ و از منابع اهل سنت: انساب الاشراف، جلد ۵ صفحه ۲۷.

۲- از منابع اهل سنت: البداية والنهاية، جلد ۴ صفحه ۳۴۰.

۳- از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۶ صفحه ۸۸ و تفسیر آلوسی، جلد ۲۶ صفحه ۱۴۴.

هذه مفاتيح بيت مالكم ورمي بها»<sup>(۱)</sup>.

دروغ می‌گویی، به خدا سوگند من خزانه دار تو و خاندانت نیستم. من خزانه دار مسلمانان هستم... این کلیدهای بیت مال توست و آنها را پرتاب کرد.

انحراف و فساد مالی برخی از صحابه چون روز روشن است و به هیچ وجه قابل کتمان و توجیه نمی‌باشد. این انحراف و فسادها در جنبه‌های دیگر نیز جریان یافت. به عنوان نمونه عایشه در مورد خلافت می‌گوید:

«إنَّ الخِلافةَ سلْطانُ اللهِ يُوْتِيه البرِّ الفاجر»<sup>(۲)</sup>.

به درستی که خلافت سلطنت الهی است و خداوند به هر کس - نیکوکار و فاسق - که بخواهد، می‌بخشد.

انحراف و بدعت در زمان معاویه و یزید به اوج خود رسید؛ چرا که در آن سال ۶۳ هجری قمری واقعه «حزّه» روی داد و هفتصد نفر از صحابه که در میان آنها دهها نفر حافظ قرآن بودند، به قتل رسیدند و ناموس بسیاری از خانواده‌ها مورد هتک قرار گرفت<sup>(۳)</sup>. در سال بعد نیز حجاج ابن یوسف ثقفی خانه خدا را محاصره کرد و با منجنیق سنگ باران نمود<sup>(۴)</sup>.

### برخورد امیرالمؤمنین علیه السلام با خلافت؛

تاکنون روشن شد که با گذشت سالیان، انحراف افزون تری به وجود می‌آمد

۱- الغدير، جلد ۸ صفحه ۲۴۲ و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۳ صفحه ۳۶.

۲- الدر المنثور، جلد ۶ صفحه ۱۹.

۳- از منابع اهل سنت: تاریخ طبری، جلد ۴ صفحه ۲۷۴ و البداية و النهاية، جلد ۶ صفحه ۲۶۱.

۴- از منابع اهل سنت: تاریخ طبری، جلد ۵ صفحه ۴۹۸ و الكامل في التاريخ، جلد ۴ صفحه ۱۱۳.

و جامعه اسلامی از مسیری که رسول الله ﷺ ترسیم فرموده بودند دورتر می شد. یکی از نمونه های گویای این مطلب این سیر تاریخی است پس از رحلت رسول الله ﷺ امیرالمؤمنین علیؑ شروع به تلاش برای رسیدن به خلافت کردند. امیرالمؤمنین علیؑ همسرشان علیؑ را سوار بر اسب کرده درب خانه مهاجرین و انصار را به صدا در می آوردند و حقانیت خویش را برای خلافت، به آنان گوشزد و یاد آوری می کردند<sup>(۱)</sup>. پس از بیست و پنج سال خانه نشینی، هنگامی که مردم به امیرالمؤمنین علیؑ روی آوردند و می خواستند با ایشان علیؑ بیعت کنند، امیرالمؤمنین علیؑ با اکراه پذیرفتند؛ چرا که انحراف سراسر جامعه را فراگرفته بود. امیرالمؤمنین علیؑ در این باره می فرمایند:

«دعوني والتمسوا غيري ... إنَّ الأفاق قد أغامت والمحجة قد تنكرت وأنا لكم وزيراً خيراً لكم مني أميراً»<sup>(۲)</sup>.

مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید... چهره افق حقیقت را - در دوران خلافت سه خلیفه - ابرهای تیره فساد گرفته و راه مستقیم حق ناشناخته مانده... من وزیر و مشاورتان باشم بهتر است که امیر و رهبر شما گردم.

دو روز پس از بیعت مردم با امیرالمؤمنین علیؑ ایشان فرمودند:

«ألاكلّ قطيعة أقطعها عثمان وكلّ ما أعطاه من مال الله فهو مردود في بيت المال فإنّ الحقّ القديم لا يبطله شيء ولو وجدته قد تزوّج به النساء وفرّق في البلدان لرددته إلى حاله»<sup>(۳)</sup>.

۱- بحار الانوار، جلد ۲۸ صفحه ۳۵۲ و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۶ صفحه ۱۳ و الإمامة والسياسة، جلد ۱ صفحه ۲۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۲ و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۷ صفحه ۳۳.

۳- نهج البلاغه عبده، جلد ۱ صفحه ۴۶ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱ صفحه ۲۶۹.

به درستی که هر چیزی که عثمان آن را تصرف کرده و هر پولی از بیت المال که پرداخت کرده باید به بیت المال بازگردانده شود. حق و حقوق بازگذشت زمان از بین نمی رود. هر چند که با پول بیت المال ازدواج کرده باشند و آن را به شهرهای دیگر برده باشند، آن را به بیت المال باز می گردانم.

آری! در پرتو نیرنگِ گسترش اسلام و جهاد، حاکمان دنیا طلب و کشورگشایان جاه طلب، اندک اندک مردم را به بی راهه و انحراف سوق دادند، تا آسانتر و بدون مزاحمت، شهوت رانی کنند و ثروت بیندوزند.

« والسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

## خودآزمایی؛

- ① بر اساس آیه ۷۵ سوره نساء، انگیزه‌های مهمّ جهاد را بیان نمایید.
- ② ابوذر علیه چه کسانی افشاگری کرد و سرانجام وی چه شد؟
- ③ چرا عمر پس از به خلافت رسیدن، خالد ابن ولید را عزل کرد؟
- ④ با دو نمونه تاریخی بیان کنید که شهوت رانی یکی از انگیزه‌های فاتحان بود.
- ⑤ امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد جهاد در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چه فرمودند؟
- ⑥ عمر در مورد به خلافت رسیدن عثمان چه نظری داشت؟
- ⑦ امیرالمؤمنین علیه السلام به عمر در مورد انحراف او چه فرمودند؟
- ⑧ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در مورد صحابه پس از خویش چه فرمودند؟
- ⑨ عبدالله ابن مسعود در مورد خزانه داری به عثمان چه گفت؟
- ⑩ نمونه‌هایی از فساد مالی عثمان را بر شمارید.
- ⑪ چرا امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد خلافت خویش برخورداردی دو گانه داشتند؟

نگاهی اجمالی به اطرافیان عثمان و  
عملکرد آنها از عمق فاجعه‌ای خبر می‌دهد که  
پس از رسول الله ﷺ با نام جهاد به وقوع  
پیوست. پس از فتح آفریقا، عثمان غنائم  
فراوانی به برادر ناتنی خویش «ابن ابی سرح»  
بخشید. ابن ابی سرح کسی است که پیامبر ﷺ  
هنگام فتح مکه، ریختن خون او را مباح اعلام  
کردند. و یکی دیگر از نزدیکان وی فردی  
دروغگو به نام «ولید ابن عقبه» می‌باشد که آیه  
شش سوره حجرات در نکوهش او نازل شد.  
(صفحه ۱۹ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:  
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن  
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ شماره: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)